



1892/12

باسمه تعالی

دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

عنوان:

حاکمیت مردم در اسلام

استاد راهنما:

دکتر سید محمد هاشمی

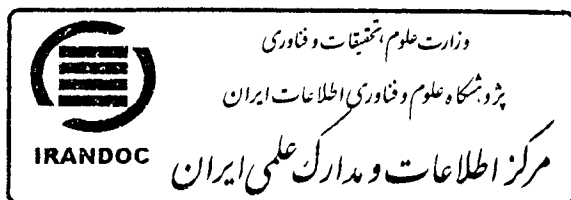
استاد مشاور:

دکتر رضا اسلامی

نگارش:

مسعود سلطانی فرد

زمستان ۱۳۸۸



۱۴۹۵۱۳

۹۴۸۹ / ۱۵۰ / ۱۰۰

تقدیم به:

پدر و مادر مهربانم

بهترین هدایای الهی

در زندگی.

سپاس و قدردانی

حمد و سپاس خداوندی را سزااست که انسان را آفرید و او را به نعمت عقل گرامی داشت رسولان را فرستاد و خاصه خاتم حضرت محمد بن عبدا. . . (ص) تا خلاق را به سوی حق و راستی رهنمون گردند خداوندی که در قرآن کریم امر به خواندن نمود به قلم سوگند یاد کرد و مرتبه عالمان و جاهلان را یکسان ندانست و پیامبرانش نیز تمام عمر شریف خود را مصروف هدایت خلق از ظلمت جهل و ضیاء فهم نمودند به پاس فرمایش امام حق علی (ع) که فرمود: «من علمی حرفاً فقد صیرنی عبداً» فرصت را غنیمت شمرده مراتب فروتنی و بندگی خود را به پیشگاه همه خداوندگاران علم که مرا حرفی آموختند اعلام می کنم باشد که فهم مجموعه حروف ما را در شناخت حضرت حق خداوند علیم عالم یاری دهد بر خود لازم می دانم که از زحمات اساتید فرزانه، سرور گرامی جناب آقای دکتر هاشمی به عنوان استاد راهنما و جناب آقای دکتر اسلامی به عنوان استاد مشاور که با راهنمایی ها و تذکرات خود مرا در تدوین این تحقیق یاری فرمودند کمال سپاسگزاری را داشته باشم. همچنین از جناب آقای دکتر جلالی که زحمت داوری تحقیق را قبول فرمودند و در این خصوص نهایت همکاری را مبذول داشتند صمیمانه تشکر می نمایم.

چکیده

از موضوعات بنیادین در اندیشه های حقوقی سیاسی موضوع حاکمیت مردم می باشد. اسلام به عنوان آخرین دین در تمامی ابعاد زندگی انسان احکام مترقی ارائه نموده است. هدف از این تحقیق بررسی مبانی حاکمیت و مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی بوده و بر این اساس پس از بیان منظور از مردم در پایان نامه در بخش مقدماتی با تکیه بر مبانی نقلی و عقلی و منطقی در دو بخش سعی بر اثبات حاکمیت مردم در اسلام بوده است. در بخش اول با بررسی منابع نقلی (قرآن و سیره پیامبر(ص) و حضرت علی(ع)) و با بررسی دیدگاه اسلام از انسان و شأن انسان از دیدگاه خداوند متعال، شیوه دعوت انبیاء(ع)، اصل شورا، امر به معروف و نهی از منکر و اهمیت شایسته سالاری در قرآن، مسئله بیعت و بررسی برخی وقایع مهم تاریخی و تصمیمات پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) و در بخش دوم پس از اثبات جایگاه والای عقل در اسلام و حجیت عقل به عنوان یک منبع اصیل در اسلام و اصالت یافته های عقلی به بررسی منطقی برخی اهداف اسلام یعنی رفاه، نفی استبداد، کمال انسان، صلح طلبی و شیوه حکومت مناسب و مطلوب جهت نیل به آن ها سعی در استخراج مبانی حاکمیت مردم و مشارکت سیاسی مردم در تصمیم گیری های مربوط به امور اجتماعی و سیاسی و اثبات حاکمیت مردم در این خصوص بوده است و در این راستا از منابع متعددی بهره گیری شده است. در بخش اول عمده توجه به منابع نقلی اسلامی و در بخش دوم عمده توجه به منطق و عقل و یافته های عقلی و منطقی اعم از یافته های عقلی و منطقی دانشمندان و متفکران اسلامی و غربی بوده است. در نهایت با موارد مورد بررسی در بخش های مذکور، در قسمت نتیجه گیری حاکمیت مردم در اسلام اثبات گردیده است.

واژگان کلیدی: منابع نقلی اسلام، مردم، حاکمیت مردم، انتصاب، مشارکت عقل

فهرست مطالب

صفحه	عناوین
	بخش مقدماتی
۱	الف) مقدمه و طرح مسأله
۳	ب) مفاهیم
۴	۱- حاکمیت
۴	۱-۱- معنی لغوی
۴	۱-۲- معنی اصطلاحی
۷	۲- مردم
۸	۲-۱- تعریف سنتی
۸	۲-۲- تعریف آنگلو ساکسونها
۸	۲-۳- مردم به معنی گروه واحد
۸	۲-۴- مردم به مفهوم طبقه
۱۳	۳- تعریف ملت
۱۶	۴- تفاوت مردم و ملت

بخش اول: مبانی حاکمیت مردم در قرآن و سیره پیامبر (ص) و حضرت علی (ع)

۱۹	گفتار اول: مبانی حاکمیت مردم در قرآن
۱۹	مبحث اول: انسان در اسلام
۱۹	الف- اختیار انسان
۲۱	ب- حقیقت خواهی انسان
۲۲	ج- انسان امانت دار خدا

۲۴ د- انسان خلیفه الله و وارث زمین
۲۸ مبحث دوم: دعوت انبیاء (ع) و شیوه مسئولیت آنان
۳۲ مبحث سوم: اصل شورا
۴۰ مبحث چهارم: امر به معروف و نهی از منکر
۴۹ مبحث پنجم: اهمیت شایسته سالاری در قرآن
۵۹ گفتار دوم: مبانی حاکمیت مردم در سیره پیامبر (ص) و حضرت علی (ع)
۵۹ مبحث اول: بیعت
۶۷ مبحث دوم: ثقیفه و پذیرش خلافت توسط حضرت علی (ع) بعد از عثمان
۷۵ مبحث سوم: بررسی نهج البلاغه در خصوص مبانی حاکمیت مردم
۷۵ الف- جایگاه مردم در انتخاب و سیره علوی در خصوص مبانی حاکمیت مردم
۷۵ ب- حقوق مردم بر زمامداران
۷۶ ۱- حق انتقاد، نصیحت، بازخواست و سؤال از حاکم
۷۸ ۲- حقوق مردم از بیت المال
۷۹ ۳- حق تعلیم، آموزش و تأدیب عمومی مردم
۷۹ ۴- حق سرپیچی از اطاعت حاکم در شرایط خاص
۸۱ ۵- آزادی افراد و احزاب مخالف
۸۳ ۶- حق مشورت و مشارکت در تصمیم گیری
۸۴ ۷- حق امر به معروف و نهی از منکر
۸۴ ج- اهمیت مردم مردم در سفارشات علی (ع) به زمامداران و کارگزاران
۸۵ ۱- اصالت توده مردم
۸۵ ۲- صحت وجدان جمعی توده مردم
۸۵ ۳- در میان گذاشتن امور با مردم و جلب رضایت آنان

بخش دوم: دلایل نهج البلاغه در خصوص حاکمیت مردم با بررسی منابع اصلی اسلامی

۸۹	گفتار اول: جایگاه عقل و حجیت عقل در اسلام
۸۹	مبحث اول: اهمیت تفکر و تعقل در اسلام
۹۶	مبحث دوم: حجیت عقل در اسلام
۱۰۳	گفتار دوم: بررسی برخی اهداف اسلام و شیوه حکومت مناسب جهت نیل به آنها
۱۰۳	مبحث اول: نفی استبداد
۱۰۳	الف- اصل خود اقتداری
۱۰۳	ب- اصل حق آئینی
۱۰۳	ج- اصل مطلقیت
۱۱۱	مبحث دوم: رفاه
۱۱۹	مبحث سوم: استمرار حاکمیت
۱۲۴	مبحث چهارم: کمال انسان
۱۲۹	مبحث پنجم: صلح طلبی
۱۳۱	مبحث ششم: عدالت
۱۳۵	الف- عینی یا ذهنی بود معیارهای عدالت
۱۳۷	ب- نسبی یا مطلق بودن عدالت
۱۳۸	ج- نحوه تحقق و رسیدن به عدالت
۱۴۱	نتیجه گیری
۱۴۶	منابع

الف) مقدمه و طرح مسأله

حاکمیت مردم یکی از موضوعات بنیادین در اندیشه های حقوقی و سیاسی است. اسلام به عنوان آخرین دین الهی در تمام ابعاد زندگی انسان با کمال دقت احکام مترقی خود را عرضه داشته است اما برخی از این احکام و آموزه های به سبب تفاسیر متعدد و گاه بدون در نظر گرفتن اصل و هدف اسلام به فراموشی سپرده شده یا اصولاً دگرگون گردیده اند. اسلام به عنوان آخرین دین الهی می بایست کلیه مضامین و آموزه هایی که مورد نیاز انسان ها در زندگی آنها می باشد و ممکن است از دسترس درک انسان دور باشد را به انسانها عرضه نماید موضوع حاکمیت مردم نیز از جمله مواردی است که با بررسی منابع اسلامی می توان فهمید که در اسلام بدان توجه خاصی شده است. قرآن کریم به عنوان معجزه ای بی بدیل مملو از آیاتی است از جانب خداوند که نشان از توجه همه جانبه به مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود و تصمیم گیریهای سیاسی و اجتماعی می باشد. برای مثال در آیات متعددی به مسئله شورا- امر به معروف و نهی از منکر شایسته سالاری و غیره پرداخته است که خود مؤید اهمیت و نقش آنها در تصمیم گیریهای سیاسی و اجتماعی است. در سیره پیامبر (ص) همچنین سیره حضرت علی (ع) به عنوان پیشوایان دین اسلام نیز می توان نمونه های متعدد و بارزی از مراجعه به آراء و عقاید مردم و کسب رضایت عمومی وجود دارد که مهترین آنها را می توان بیعت دانست.

به علاوه انسان به عنوان موجودی صاحب عقل و اختیار دارای قوه تفکر بوده و به عنوان اشرف مخلوقات خداوند متعال را به خود اختصاص داده است و با استفاده از قوای مذکور و با تکیه بر آموزه های وحیانی، خود قادر به شناخت و حل بسیاری از مسائل موجود در زندگی اجتماعی و سیاسی خود می باشد و این امر نیز مورد توجه ویژه اسلام قرار دارد و فرد مسلمان و جامعه اسلامی می بایست با تکیه تفکر و بهره گیری از تجربیات خود و دیگران و با بررسی و کشف اهداف اسلام که همانا سعادت دنیوی و تبیین مبانی حاکمیت مردم بر اساس مطالب مذکور می باشد.

اسلام دینی عقلگرا و علم گرا است که از معارف زلال الهی سرچشمه گرفته است و در پس ایجاد جامعه ای تکامل یافته برای زندگی انسان جهت نیل به اهداف متعال و کمالی انسان می باشد که انسانها خود جایگاه اصلی را برای تکامل جامعه دارا هستند. اسلام نه تنها موجب عقب ماندگی و انحطاط نیست که خود محرک و عامل پیشرفت و توسعه است. مهمترین هدف این تحقیق بیان و استخراج مبانی

حاکمیت مردم و بررسی اهمیت آن از دیدگاه اسلام در حد توان می باشد و جهت نیل به این هدف سؤالاتی به عنوان سؤالات تحقیق مد نظر بوده و سعی بر این بوده است که در حد توان به بررسی آنها پرداخته و به آنها پاسخ داده شود:

۱- آیا خداوند متعال در قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی برای مردم و مشارکت آنها در امور سیاسی اهمیت و نقشی قائل است یا خیر؟

۲- در سیره حضرت رسول (ص) و حضرت علی (ع) مردم از چه نقش و جایگاهی در تصمیمات سیاسی و نظام حکومتی برخوردار هستند و آیا به رضایت عمومی و نظر اکثریت مردم توجه شده است یا خیر؟

۳- با مبنا قرار دادن اهداف اسلام مناسب ترین شیوه حکومت جهت رسیدن به آن کدام نوع حکومت است؟

۴- گستره مشارکت مردم در اسلام بر اساس آموزه های آن چگونه است؟

در رابطه با مقوله «حاکمیت مردم» در اسلام پژوهشهای فراوانی در ایران صورت گرفته است که برداشت این جانب از اکثریت قریب به اتفاق این تحقیقات این بوده است که در برخی سعی بر این بوده که نوع خاصی از دموکراسی برای نظام سیاسی اسلام تعریف و با این پیش فرض که دموکراسی واقعی مطلوب در جامعه سیاسی است در پس بیان جایگاهی برای آن در اندیشه سیاسی اسلام بر آمده اند و در برخی دیگر بدون بیان دقیقی از مفاهیم کاربردی مشارکت سیاسی و حاکمیت مردم در حوزه های تفکر غرب و اسلام، هدف تبیین نقش سازنده ای برای مردم در اندیشه سیاسی اسلام است. اما در این تحقیقات مبانی نظری حاکمیت مردم در اسلام کمتر مطرح و همه با این فرض صورت گرفته است که باید مردم در حکومت نقش داشته باشند و بدنبال این فرض در جستجوی کم و کیف این نقش برآمده اند در این تحقیق در حد توان سعی در بررسی تحقیق پیرامون مبانی نظری حاکمیت مردم و اثبات حاکمیت مردم بر اساس این مبانی می باشد.

روش تحقیق در این پژوهش روش توصیفی و تحلیلی می باشد که با بهره گیری از منابع اصلی سعی می شود مطالب مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. روش گرد آوری مطالب روش کتابخانه ای می باشد.

رساله حاضر مشتمل بر بخش مقدماتی، متن و نتیجه گیری است. دربخش مقدماتی ابتدا مسئله مطرح سپس هدف تحقیق و سؤالات تحقیق بیان، سابقه تحقیق مطرح سپس در قسمت مفاهیم به مفاهیم اصلی حاکمیت، مردم و حاکمیت مردم و مفهوم و منظور مورد نظر از این واژه ها در تحقیق بیان می گردد. سپس جهت رسیدن به هدف تحقیق و پاسخگویی به سؤالات در فصل اول با بررسی قرآن کریم و سیره و سنت رسول گرامی اسلام (ص) و حضرت علی (ع) در زمینه مشارکت مردم و برخی وقایع صدر اسلام به بررسی نقش و جایگاه مردم در حکومت و نظام حکومتی و حاکمیت مردم در تصمیم گیری های سیاسی و تبیین مبانی آنها پرداخته شده است. و در فصل دوم با بیان اهمیت تفکر و تعقل و اصالت عقل و داده های عقلی از دیدگاه اسلام در جهت شناخت منطقی مناسب ترین نوع حکومت جهت نیل به اهداف اسلام تلاش شده است.

با توجه به پیوستگی مطالب و جهت جلوگیری از دوباره گویی و اطاله کلام همچنین استحکام بخشی مباحث و بیان تام مطلب بالاجبار مطالبی به ظاهر نامتناسب با عنوان اصلی در هر قسمت بیان گردیده است به خصوص در فصل اول مطالبی از سیره پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) در گفتار اول و بالعکس مطالبی از قرآن در گفتار دوم ذکر گردیده است.

ب) مفاهیم

کلیه تحقیقات و پژوهش های علمی می بایست مبتنی بر مفاهیم و اصطلاحات محوری آن رشته و آن تحقیق باشد. با تغییر و تحول آن مفاهیم و عدم تبیین دقیق آنها و عدم بیان دقیق، منظور محقق از این اصطلاحات و مفاهیم، مقصود اصلی تحقیق دچار دگرگونی یا نقصان می گردد. یکی از مهمترین مشکلات مطالعات در حوزه علوم انسانی ابهام و دقیق نبودن مفاهیم این علوم و عدم توافق فراگیر در تعریف آنهاست بنابراین بنا به ماهیت موضوع به اختصار در خصوص مفاهیم حاکمیت و مردم، بحث خواهیم کرد.

۱- حاکمیت :

۱-۱ معنی لغوی :

مصدر جعلی (۱) به معنای حاکم بودن و مسلط بودن .

(۲) حقوقی : اعمالی که دولت ها برای اعمال قدرت و حل مسائلی که به حفظ نظم عمومی وابسته است انجام دهند^۱ .

۱-۲ معنی اصطلاحی :

حاکمیت عبارت است از قدرت عالیة تصمیم گیری و وضع قوانین و اجرای تصمیمات از طرف حکومت یک کشور^۲ . حاکمیت کشور در درون مرزهای آن به اجرا در می آید. حاکمیت خارجی ، یعنی حق داشتن روابط با دولت های دیگر و حق اعلان جنگ^۳ . دستگاه حکومتی هر کشور که از شخص یا هیأت دسته جمعی تشکیل می یابد بالاترین قدرت تصمیم گیری سیاسی را در کشور دارد و می تواند تصمیمات را به عمل آورد. حاکمیت نشانه تصمیم گیری مستقل در جامعه ملتهاست. حاکمیت در حقیقت تجلی حکومت و بزرگترین عملکرد آن می باشد^۴ .

در تعریف دیگری از حاکمیت چنین آمده است : «حاکمیت قدرت عالی دولت است که وضع کننده قانون و اجرا کننده آن است . و بالاتر از آن قدرتی نیست و شامل این مفاهیم است : ۱- اختیار وضع و اصلاح قوانین ۲- قدرت سیاسی و اخلاقی دولت ۳- استقلال سیاسی و قضایی یک جامعه»^۵ .
به عبارت دیگر حاکمیت قدرت برتر فرماندهی یا امکان اعمال و اراده ای فوق اراده های دیگر است بدین معنی که دولت در حوزه اقتدارش دارای نیرویی است خود جوش که از نیروی دیگر بر نمی خیزد و قدرت دیگری که بتواند با او برابری کند وجود ندارد و از هیچ قدرت دیگری نیز تبعیت نمی کند.^۶

گروسیوس حقوقدان هلندی حاکمیت را اینگونه تعریف می کند :

۱- محمد معین، فرهنگ فارسی پنج جلدی، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۰.
۲ و ۳- بهمن آقایی، علیرضا بابایی، فرهنگ علوم سیاسی ۶ جلدی، ج ۱، ص ۲۲۶.
۴- داریوش آشوری، فرهنگ آشوری (دانشنامه سیاسی) تهران انتشارات سهروردی، ۱۳۶۶.
۵- ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی نشر میزان چاپ نهم، پاییز ۸۳، ص ۱۸۰

«حاکمیت» اقتدارات سیاسی عالی در شخصی است که اعمالش مستقل بوده و تابع هیچ اراده قدرتی نیست و آنچه را که اراده می کند نمی توان نقض کرد.^۱

ژان بدن حقوقدان فرانسوی در کتاب «جمهور» خویش چنین می گوید: «حاکمیت عبارت است از قدرت لایزال و مطلق دولت و هیچ امری آن را محدود نمی سازد».^۲

یلی نک حاکمیت را وصف ویژه ای می داند که به موجب آن قانوناً نمی توان آن را محدود و مسئول شمرد مگر به اراده خویش.^۳

بطور کلی حاکمیت بر دو گونه و دو جنبه دارد:^۴

- ۱- جنبه درونی: که به معنی اقتدارات داخلی دولت در قلمرو سرزمین خویش است.
- ۲- جنبه بیرونی: که به معنی استقلال خارجی در برابر دولت های دیگر و مداخله های بیرونی است. حال، با توجه به تعاریفی که برای حاکمیت ذکر گردید مشخصات آن را به صورت زیر می توان بر شمرد:

«۱- حاکمیت قدرت حقوقی است یعنی تجلی زور و قدرت محض نیست بلکه در قالب نظم حقوقی جامعه و از درون آن برآمده است.

۲- منشأ و مبدأ است یعنی منشأ نظم حقوقی و صلاحیت ها است.

۳- نامشروط و غیر مقید است یعنی چیزی یا کسی وجود ندارد که آن را مشروط و مقید سازد.

۴- برتر است».^۵

حال با توجه به مشخصات حاکمیت، مذکور در فوق، می توان حاکمیت را چنین تعریف کرد: قدرت برتر فرماندهی یا امکان اعمال اراده ای فوق اراده های دیگر و وقتی گفته می شود مردم حاکمیت دارد منظور این است که دارای نیرویی خود جوش که از نیروی دیگری بر نمی خیزد و قدرت دیگری که بتواند با او برابری کند وجود ندارد در مقابل اعمال اراده و اجرای اقتدارش مانعی را نمی پذیرد و از

۱ و ۲- عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، تهران انتشارات امیر کبیر، جلد دوم ۱۳۶۶ ص ۹۷-۹۴.

۳- ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، پیشین ص ۱۷۹.

۴- همان ص ۱۸۴.

۵- همان، ص ۱۸۸.

هیچ قدرت دیگری تبعیت نمی کند «هرگونه صلاحیتی ناشی از اوست ولی صلاحیت او از نفس وجودی او بر می آید»^۱.

«حاکمیت است که همچون مرکز تولید اقتدار به هر یک از دستگاه های فرمانروا صلاحیت عملکرد یا اعمال اراده می بخشد و همه اعمال فرازین قوای سه گانه و اعمال فرودین قوای عمومی به نام او انجام می شود»^۲.

منظور از حاکمیت مردم در تحقیق حاضر، اقتدر و صلاحیت ذاتی مردم در انتخاب زمامداران و رهبران سیاسی و نظارت بر آنها می باشد. بصورت مشروح در خصوص مفهوم مردم توضیح داده خواهد شد.

۱ و ۲- همان، ص ۱۸۰.

۲- مردم

مردم در لغت همان آدمی، انس، انسان، آدمیزاد، شخص و بشر، خلاق و خلق، عامه، دیگران، تن، کس، افراد، اهالی، سکنه، رعیت، خدمه، سپاه و لشکر، جماعت و قبیله می باشد.^۱

آن چه که در ابتدا از لفظ مردم در ذهن پدیدار می شود جنس بشر است فارغ از هر گونه نژاد و رنگ و ملیت، بنابراین می توان گفت مفهوم کلمه مردم شامل پیر و جوان و فرد و کلان و همه افراد جامعه می شود. از طرفی دیگر مفهوم مردم از مقوله مفاهیم عامیانه است که تقریباً برای همه قابل درک و فهم می باشد لذا بر خلاف لفظ ملت و امت تعاریف در رابطه با لفظ مردم بسیار اندک است و به تفاسیر و برداشت های مختلف بستگی دارد.

ابتدا اشاره ای به مفهوم عامه مردم داشته باشیم. «عامه مردم از ریشه لاتینی "Plebs" یا "Plebis" به معنای مردم عامی و پایین مرتبت و عوام گرفته شده است در روم باستان عوام یا عامه مردم در برابر نجبا (Particians) قرار می گرفتند و طبقات پایین جامعه را تشکیل می دادند.

آنان در مقابل نجبا قیام کردند و مخصوصاً در قرن پنجم قبل از میلاد برای حقوق مدنی و سیاسی خود به مبارزه برخاستند. در قرن ۱۹ در آثار سوسیالیست ها مفهوم عامه مردم در جهت توصیف ویژگیهای رنجبران به کار آمد که در حال مبارزه علیه بورژوازی یا نجبای سابق بودند در روزگار ما این واژه به ندرت به کار می رود.^۲

مفهوم مردم همواره دارای فراز و نشیب های زیادی بوده است و تفاسیر مختلفی از آن شده است حدود ۲۵۰۰ سال پیش در مجالس «مردم» یونان کسانی شرکت می کردند که در خانواده یونانی متولد شده و برده یا بیگانه نباشند.

تئوریسینهای قرون وسطی هنگام سخن از «مردم» بردگان و سرفها را استثنا می کردند و حتی در قرون شانزدهم میلادی تئوری های دموکراتیک آن زمان تصمیم «مردم» را ناشی از مجالس و گروه های متشکل می دانستند و در اواخر قرن ۱۸ زمان انقلاب کبیر فرانسه، بین افراد فعال و صاحب رأی سیاسی و افراد بی اثر یعنی بدون حق رأی تفکیک تفاوت قائل بودند.

۳- علی اکبر، دهخدا، لغت نامه، تهران انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ذیل واژه مردم.

۲- آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه ساروخانی، انتشارات کیهان، ۱۳۷۰، ص ۲۶۸.

در قرن نوزده نیز «بیان اراده مردم» را زمانی محقق می دانستند که آن دسته از مردم صاحب رأی سیاسی به اتفاق یا به اکثریت در امری اظهار نظر کرده بودند.^۱

بنابراین می توان تعاریف و تفاسیر گوناگون از مردم را به صورت ذیل تقسیم نمود:

۱-۲- **تعریف سنتی**: که «مردم» و ملت را مترادف یکدیگر استعمال می کردند و مفهوم این دو کلمه را گروه واحد و هماهنگ افراد می دانستند که مشترکاتی آنان را به هم نزدیک ساخته است.^۲ این تعریف بویژه در فلسفه قرن ۱۸ بیان می شد و مجلس مؤسسان فرانسه آن را می پذیرفت.^۳ و اساس حقوق عمومی آن کشور قرار گرفت.

۲-۲- **تعریف آنگلو ساکسونها**: در اندیشه سیاسی نویسندگان انگلستان و آمریکا تعریف کلمه «مردم» به منظور تعیین نقطه اتکا و پشتیبان آزادیهای سیاسی است. بنابراین مردم، مجموعه افراد مملکت است به نحوی که از نخست وزیر تا کوچکترین فرد جامعه درباره آزادی ها و زندگی اجتماعی و سیاسی توافق کنند و یا حداقل اکثریت آنان توافق نمایند.^۴

۳-۲- **مردم به معنی گروه واحد**: سومین طرز فکری که درباره مردم وجود دارد این کلمه را مبین واحدی مافوق اجتماع می داند و برای گروه مردم مقامی روحانی و معنوی و برتر از مقام فرد اعضای جامعه قائل است و بالنتیجه رؤسای قوم را موظف به دفاع از مصالح عالیه مردم میداند و به نام حفظ این مصالح بعضی از نظام های دیکتاتوری، رهبر قوم را به عنوان مظهر اراده حقیقی مردم معرفی کرده و اطاعت از اوامر او را احترام نسبت به خواسته گروه واحد می دانند. این اندیشه نقطه مقابل نظریه ای است که مردم را به مفهوم «طبقه» بیان می کنند.^۵

۴-۲- **مردم به مفهوم طبقه**: با وجود تفاوتی که بین فرمانروایان و فرمانبران وجود دارد پاره ای از اندیشمندان مردم را به مفهوم «طبقه اجتماعی» می گیرند. بهترین مظهر این پندار سیاسی مارکسیسم است که جنگ طبقات را پدید آورنده تاریخ می داند.

۱- رضا علومی، اصول علوم سیاسی (تهران) انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴، ص ۳۵۳-۳۴۹.

۲- دکتر ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، پیشین ص ۱۸۶.

۳- رضا علومی، پیشین ص ۳۵۴.

۴- همان، ص ۳۵۴-۳۵۵.

۵- همان، ص ۳۶۰-۳۵۶.

این نظریه مارکسیستها با طرز فکر آنان در مورد تعلق فرد طبقه پرولتاریا به جامعه سوسیالیستی و عدم تفکیک منافع فردی و اجتماعی انطباق دارد فلسفه مارکسیست سرنوشت افراد جامعه سوسیالیستی را غیر قابل تجزیه از منافع اجتماع می داند و می گوید در جوامع سرمایه داری فرد پرولتاریا از حقوق حقه اجتماعی خویش محروم است و سرنوشت کار و آینده و استقلال این طبقه به میل و اراده طبقات دیگر فرمانرواستگی دارد و در چنین جامعه ای مردم به معنی واقعی کلمه می تواند مصداق پیدا کند و طبق نظریه مارکس اصطلاح «مردم» فقط زمانی که پرولتاریا یا جامعه سیاسی بدون طبقات را به پا سازد مفهوم حقیقی خواهد داشت.^۱

این خلاصه ای از تحولات و دگرگونی های مفهوم بود بنابراین مشاهده می شود از اواخر قرن نوزدهم دامنه شرکت کلیه طبقات در امور اجتماعی توسعه می یابد و افراد و مردم به تدریج در امور سیاسی شرکت می کنند. بعضی از اندیشمندان معاصر نیز تعاریفی از مردم ذکر کرده اند که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

مرحوم شریعتی در کتاب امت و "امامت" مردم را چنین تعریف می کند «مردم» (People) گروهی از افراد و انسانی نیز هستند که در یک سرزمین خاص سکونت دارند.^۲

آنچه در این تحقیق از مردم در نظر است افراد و توده های گوناگونی را شامل می شود که دارای وجوه مشترک متعددند و دارای نظام اجتماعی معین می باشد که تابعیت آن نظام اجتماعی را داشته و در محدوده ضوابط آن نظام عمل کنند.

به عبارت دیگر مراد از «مردم» مجموعه ای از خلق ها و توده های گوناگون می باشد که دارای خصایص مادی مختلفند و لکن همفکر و هم مکتب با جهان بینی مشترک و منطق شناخت مشترک می باشند جامعه ای که ایمان و تعهد افراد آن نسبت به مکتب اسلام و ایدئولوژی و جهان بینی همه را سخت به یکدیگر پیوند داده و وابسته کرده است که این همان مفهوم امت اسلامی است و در قرآن کریم بر هر اسم و نام دیگری ترجیح داده شده است.^۳

حال که از امت سخن به میان آمد جا دارد بحثی هر چند مختصر در رابطه با آن مطرح کرد:

۱- ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، پیشین ص ۱۸۰ و ۱۸۹.

۲- علی شریعتی، امت و امامت، انتشارات قلم، تهران، ۱۳۵۷.

۳- عباسعلی عمید زنجانی، بنیادهای ملیت در جامعه ایده آل اسلامی، انتشارات بنیاد بعثت، ۱۳۶۱، ص ۷۳.

در لغت نامه دهخدا کلمه «امت» این چنین تعریف ده است «جماعتی که به سوی ایشان پیغمبری آمده باشد، گروهی که به پیغمبری ایمان داشته باشند، پیروان انبیاء وقت و هنگام، گروه، گروه از هر صنف مردم»^۱. سید علی اکبر قرشی در قاموس قرآن در تعریف «امت» بیان داشته است: امت در لغت به جامعه انسانی اطلاق می شود که قصد و نظر مشترک داشته باشند^۲. در کتاب بنیاد های ملیت امت این چنین تعریف شده است:

«امت که از ماده «ام» اشتقاق یافته و مصدر آن به معنی «قصد کردن» آمده است به گروهی از انسان ها گفته می شود که به سوی مقصدی واحد و با هدف و آرمان واحدی در حرکتند و یا توده متشکلی هستند که در راه و هدفی که دارند برای انسان ها و گروه های دیگر نمونه و پیشرو و مقصدند و یا گروهی هستند که هماهنگی و وحدت و یکپارچگی آنان در مسیر و هدف نمایشگر طریق واضح و روشنی می باشند»^۳.

در قرآن کریم «امت» به معانی گوناگون به کار رفته است: یکی از معانی امت، شریعت، ملت، و دین می باشد که تقریباً دارای معانی مشترک (واحدی) هستند «ابن عباس» در تفسیر این آیه امت را به مفهوم دین و شریعت می گیرد: «و لو شاء الله لجعلکم امة واحدة^۴ ای: لجعلکم علی شریعة واحدة»^۵. و یکی دیگر از معانی امت گروه و جماعت می باشد البته جماعتی که عامل یا عواملی مانند مذهب، زبان و غیره و موجب وحدت و اجتماع آنان شده است این کثیر واژه امت را در آیه «و لما ورد ماء مدین، وجد علیه امة من الناس یسقون»^۶ به معنای گروهی از مردم تفسیر نموده است.^۷

۱- علی اکبر دهخدا، پیشین، ذیل واژه امت.

۲- سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۱۱۸. به نقل از سید محمد هاشمی - حقوق اسلامی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص ۱۳۹.

۳- عباسعلی عمید زنجانی، پیشین، ص ۷۸.

۴- سوره انعام، آیه ۷۸.

۵- علی عطایی، حکومت اسلامی نشر خرم، قم، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۵۷.

۶- سوره قصص آیه ۲۳.

۷- علی عطایی، پیشین، ص ۵۸.

امت به مفهوم مدت و زمان نیز به کار رفته است^۱ همانند مفهوم امت در آیه زیر «ولئن اخرنا عنهم العذاب الی امة معدوده»^۲. همچنین امت به معانی نسل - جماعت علماء و امام و پیشوا نیز به کار رفته است.^۳

در قرآن واژه امت ۴۹ مرتبه به کار رفته است.^۴ در نهج البلاغه ۴۹ مرتبه واژه امت به صورت های مختلف به کار رفته است که می توان گفت به استثنای دو مورد در همه موارد دیگر، به معنای گروهی از انسان ها می باشد که از طرف خداوند رسولی برای آنها آمده است و عامل وحدت آنها دین است.

این دو مورد استثنایی یکی خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه است که واژه امت نسبت به گروه های غیر انسانی مثل جن اطلاق شده است. مورد دوم استعمال واژه امت در خطبه ۱۸۶ نهج البلاغه است که لفظ امم به گروه های حیوانی که از یک نوع هستند اطلاق شده است.

«بنابراین مفهوم امت در نهج البلاغه دارای دو ویژگی اساسی می باشد که عبارتند از: ۱- تنظیم همه روابط افراد بر اساس دین و قوانین آن ۲- برخورداری از یک رهبری که حافظ آن دین باشد»^۵

در جلد دوم کتاب فقه اسلامی در این زمینه چنین آمده است: «قرآن برای ترسیم درست رهبری ایدئولوژیک در جامعه که نیاز به دو تعبیر در زمینه راهبر و رهرو دارد از کلمات رائد قائد راعی حاکم سلطان رئیس زعیم و قیم استفاده نموده و تنها از اصطلاح «امام» بهره گرفته و از سوی دیگر به جای کلمات ملت قبیله قوم شعب طبقه اجتماع یا جامعه طائفه نسل موطن (هموطن) جمهور (توده) و نظائر آن اصطلاح «امت» را بکار برده است در فرهنگ اسلامی پیوند اساسی و مقدس آحاد ناس (که واژه ای بس جزئی تر و عینی تر از کلمه انسان است) بر پایه اشتراک در خون و نژاد یا خاک و مرزهای جغرافیایی یا تجمع و اشتراک در یک مقصد و آرمان با همگونی در شکل کار و بکارگیری ابزار آن یا تشابه در جنبش های اجتماعی و نوع زندگی یا همفکری در مبارزه با دشمن مشترک و یا اشتراک در منافع طبقاتی نیست. اساسی ترین عامل وحدت حرکت مشترک «ناس» بر روی خط و راه مشخصی

۱- همان، ص ۵۹.

۲- سوره هود آیه ۸.

۳- ولی الله برزگر، جامعه از دیدگاه نهج البلاغه، بنیاد نهج البلاغه، ص ۹۸-۷۳.

۴- محمد فواد عبدالباقی، المعجم المفهرس الالفاظ القرآن الکریم به نقل از دکتر محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، چاپ

دوم، نشر دادگستر، ص ۱۳۹.

۵- ولی الله برزگر، پیشین ۹۲-۸۸.

است که آگاهانه در جهت مقصد معینی انتخاب کرده اند^۱. بنابراین می توان گفت یک جامعه انسانی است که افراد آن دارای یک هدف مشترک هستند و گرد هم آمده اند تا بر اساس یک رهبری واحد به سوی ایده ال خویش حرکت کنند. امت از وفاداری در بین مردم حکایت می کند و ریشه ای تاریخی و خاستگاهی بومی در بین مسلمانان داشته و از دنیای سنتی و تاریخی مسلمانان سرچشمه می گیرد. آنچه از مردم در این تحقیق مراد است «امت پیامبر» می باشند.

^۱ - عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ج ۲، ۱۳۶۶، صص ۳۰۳-۳۰۲.